دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۴۲۲۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

عملیات موفق موشک بالستیک ۲ هزارکیلومتری یمن در آستانه سالگرد ۷ اکتبر به معنای تضعیف امنیت صهیونیست‌هاست

تحقیر کودک‌کش

سیدمهدی طالبی
دبیرگروه جهان‌شهر

کارد به استخوان صهیونیست‌ها رسیده است. روز گذشته (یکشنبه ۲۵ شهریور) یمنی‌ها بار دیگر به تل‌آویو که نقطه ثقل جمعیتی، تاسیساتی، اقتصادی و نظامی صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی است، حمله کردند. این حمله تنها به وسیله یک موشک پرتاب شد. سامانه‌های مختلف پدافندی غرب که از یمن تا فلسطین اشغالی مستقرند، نه‌تنها نتوانستند در برابر این موشک واکنشی نشان دهند، بلکه سامانه‌های پدافندی ایشان در داخل دست به خودزنی کرده و آسیب‌هایی به تاسیسات‌شان وارد کردند.

موشک یمنی‌ها برای پیمایش مسیر ۲۰۴۴ کیلومتری خود تنها ۱۱ دقیقه و ۳۰ ثانیه زمان صرف کرد تا صهیونیست‌ها بیشتر از گذشته با نحوه محاسبه زمان پرتاب موشک‌ها از ایران یا عراق آشنا شوند. پایگاه‌های موشکی در غرب ایران تنها ۱۲۰۰ کیلومتر با فلسطین اشغالی فاصله دارند و در عراق این فاصله به ۷۰۰ تا ۹۰۰ کیلومتر می‌رسد که تقریبا نصف فاصله یمن است. صهیونیست‌ها در برابر موشک‌های پرتابی از ایران ۶ تا ۷ دقیقه و در برابر موشک‌های پرتاب شده از عراق زیر ۵ دقیقه فرصت خواهند داشت. تخمین‌های زمانی مزبور از آن جهت دارای اهمیت است که ایران و عراق تاکنون هیچ‌گونه اقدام مستقیمی برای انتقام‌گیری از رژیم‌صهیونیستی پس از سلسله تجاوزاتش صورت نداده‌اند؛ تجاوزاتی که در ایران منجر به ترور یکی از میهمانان رسمی تهران شده و در عراق یک پایگاه حشدالشعبی را هدف قرار داد.

موشک از چه نوعی بود؟

در رسانه‌ها، موشک پرتاب‌شده به‌سمت فلسطین‌اشغالی هایپرسونیک توصیف شده است. با وجود این، چنین توصیفی می‌تواند ناشی از گمانه‌زنی‌ها و برداشت‌ها باشد آن هم با توجه به عملکرد موشک. موشک‌های هایپرسونیک سلاح‌هایی‌اند که سامانه‌های پدافند هوایی برای رهگیری آنها کار دشواری دارند، حتی برخی معتقدند سامانه‌های پدافند هوایی کنونی هیچ کدام قادر به رهگیری یا رهگیری موثر هایپرسونیک‌ها نیستند. با توجه به این مساله و عبور موشک یمنی‌ها از سامانه‌های پدافند هوایی، ناظران احتمال داده‌اند این موشک، از نوع هایپرسونیک باشد. با توجه به مافوق صوت نامیده شدن موشک، این‌گونه برداشت می‌شد که یمنی‌ها موشکی مشابه با فتاح-۱ ساخته‌اند که در دسته هایپرسونیک‌ها قرار می‌گیرد. با وجود این و با توجه به اینکه یمنی‌ها موفق به ساخت نمونه مشابه موشک خیبرشکن-۲ نیز شده بودند، گمانه‌زنی‌ها حکایت از پرتاب چنین موشکی دارد.

پس از آنکه یمن فیلمی از پرتاب موشک را منتشر کرد، میان فتاح-۱ و خیبرشکن-۲، گمانه‌زنی‌ها درباره خیبرشکن تقویت شدند. فتاح و خیبرشکن از نظر تنه و بدنه اصلی موشک تقریبا مشابهند اما از نظر کلاهک تفاوت‌هایی دارند؛ کلاهک موشکی که یمنی‌ها پرتاب کرده‌اند مشابه خیبرشکن-۲ بود و با فتاح-۱ تفاوت‌هایی داشت. با وجود امکان تشخیص چشمی، اما نحوه عملکرد موشک همچنان می‌تواند تردیدزا باشد. عبور از چندلایه پدافند هوایی قدرتمند که توسط چند کشور چیده شده، موضوع بسیار پیچیده‌ای است و این ایده را تقویت می‌کند که موشک با وجود شباهت به خیبرشکن، به‌لحاظ اجزای درونی مشابه فتاح بوده است. بااین‌حال وجود چند لایه پدافند موشکی به این معنا نیست که تنها موشک هایپرسونیک می‌تواند از آنها عبور کند. به‌نظر می‌رسد بیشتر از سرعت بالا، این مانورپذیری کلاهک و بدنه موشک بوده که صهیونیست‌ها را به دردسر انداخته است. پیش از این نیز فرماندهان سپاه اعلام کرده بودند موشک‌های جدید می‌توانند پس از پرتاب دست به تغییر مسیر بزنند و قابلیت مانور دیگر منحصر به بخش پایانی و تغییر مسیر کلاهک نیست. آنچه مقامات پدافندی صهیونیست تایید کرده‌اند مانورهای متعدد موشک درطول مسیر است. از این رو موشک پرتاب‌شده احتمالا از نوع حاطم-۲ است که نمونه‌ای مشابه با خیبرشکن ساخت ایران است. استفاده از موشک خیبرشکن نسبت به موشک هایپرسونیک مزیت‌های فراوانی دارد؛ نخست آنکه نشان می‌دهد محور مقاومت، بدون‌استفاده از آخرین فناوری خود قادر به چیره شدن بر پدافند هوایی غرب در منطقه آن هم با تک‌موشک است.

درباره موشک جدید یمنی‌ها نکات فنی دیگری نیز وجود دارد:

۱. نحوه پرتاب موشک به‌شکل مایل مانند موشک‌های بالستیک تاکتیکی بود. این درحالی است که موشک‌های بالستیک- که ارتفاع زیادی گرفته و از جو خارج می‌شوند- پرتاب عمودی دارند. موشک خیبرشکن نیز از دسته تاکتیکی‌هاست اما موشک‌های تاکتیکی به‌دلیل نحوه پرتاب محدودیت‌هایی در برد دارند. ایران کشوری است که موفق شده با تمرکز روی موشک‌های تاکتیکی، برد آنها را به‌شدت افزایش دهد، به‌گونه‌ای که برد عملیاتی نمونه‌های ایرانی به ۱۴۵۰ کیلومتر می‌رسد. این موشک‌ها فراتر از این قادر به رسیدن به برد ۱۸۵۰ کیلومتری نیز بوده‌اند، اما گمان می‌رفت این برد تنها قابل‌دستیابی است بدون آنکه قابلیت عملیاتی به دست آید. موشک بالستیک تاکتیکی یمنی‌ها اما روز گذشته به برد ۲۰۴۴ کیلومتری دست‌یافت. موشک‌های بالستیک تاکتیکی به این دلیل که از جو خارج نمی‌شوند، در کلاهک به مواد ساده‌تری نیاز داشته و از سوی دیگر شناسایی دشوارتری دارند، زیرا موشک‌های بالستیک با خروج از جو توسط رادارهای بیشتری در معرض شناسایی قرار می‌گیرند.

۲. در یمن تاسیسات صنعتی پیشرفته‌ای وجود ندارد و از سوی دیگر انتقال یک موشک پیشرفته می‌تواند آسیب‌هایی جدی به آن وارد سازد. محور مقاومت موفق شده مشکلات صنعتی موجود در مسیر تولید موشک‌های بالستیک را رفع کند و قادر به تولید و استفاده از موشک‌های پرقدرت در هر شرایطی باشد.

۳. موشک‌های بالستیک تاکتیکی نسبت به موشک‌های بالستیک و انواع هایپرسونیک، قیمت پایین‌تری دارند. بر همین اساس یمنی‌ها با یکی از کم‌هزینه‌ترین موشک‌های موجود در برد دوهزار کیلومتری، ده‌ها میلیارد دلار دارایی پدافندی غرب را بی‌اثر ساخته‌اند.

ادعای دروغ متلاشی شدن موشک

پس از ورود موشک به فضای تل‌آویو و شهرک‌های اطراف آن، چند نقطه دچار آسیب شدند. فاصله این نقاط با یکدیگر نشان می‌دهد دایره پراکندگی آسیب به چند ده کیلومترمربع می‌رسد. رسانه‌ها قطر دایره محل اصابت‌ها را تا ۱۵ کیلومتر تخمین زده‌اند. آتش‌سوزی و چاله انفجاری، آسیب به یک کارخانه سیمان، پل و ایستگاه قطار زنجیره اتفاقات رخ داده‌اند. این اتفاقات به دلایل مختلفی رخ داده و تفاسیری دارند. تصاویر منتشرشده از یک ایستگاه قطار، یک کاونده موشک‌های تامیر را- که جزئی از سامانه گنبد آهنینند- نمایش می‌دهد. این مساله حکایت از فعالیت سامانه گنبد آهنین برای رهگیری موشک یمنی‌هاست اما این سامانه برای رهگیری موشک‌های بالستیک ساخته نشده و برای رهگیری گلوله‌های خمپاره، توپخانه و راکت‌ها که برد کمتری نسبت به موشک‌ها دارند، استفاده می‌شود. فعال شدن سامانه گنبد آهنین احتمالانه برای رهگیری خود موشک، بلکه برای رهگیری اجزای کلاهک خوشه‌ای آن بوده است. فعال شدن سامانه گنبد آهنین، اشتباه موشک تامیر این سامانه و وقوع آتش‌سوزی‌های متعدد همه نشانگر استفاده از کلاهک خوشه‌ای در موشک یمنی‌هاست. موشک‌های تامیر به‌دلیل دشواری در رهگیری ریزبمب‌های موجود در کلاهک خوشه‌ای موشک یمن و درتلاش برای رهگیری آنها حتی در نزدیکی سطح زمین دچار اشتباه شده‌اند و به تاسیسات رژیم‌صهیونیستی صدمه زده‌اند.

زنجیره شکست

پرتاب، عبور و اصابت یک موشک، زنجیره‌ای از شکست‌های دشمن را نشان می‌دهد. در ادامه این زنجیره مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. برآوردهای اطلاعاتی

شکست بزرگی در برآورد اطلاعاتی نسبت به وجود موشک‌ها، عملیاتی شدن آنها، محل نگهداری و کارکنان واحد موشکی صورت گرفته است. اساسا ورود آمریکا و انگلیس به جنگ مستقیم با یمن، برای هدف‌گیری این نقاط براساس داده‌های اطلاعاتی مختلف بود. این دو دولت تاسیسات ذخیره‌سازی، نگهداری و پرتاب موشک‌ها را به همراه عوامل انسانی دخیل مورد هدف قرار می‌دادند اما با وجود چند ماه حمله مداوم، عملیات موشکی یمنی‌ها انجام شد.

۲. سیستم هشدار زودهنگام

غرب ادعا می‌کند به وسیله ماهواره‌ها می‌تواند پرتاب موشک‌های سنگین را از روی گاز خروجی آنها در حین پرتاب و همچنین اوج‌گیری شناسایی کند. از سوی دیگر، رادارهای مراقبتی و هشدار زودهنگام ناتو نیز قادر به انجام این کارند. تمام اجزای زمینی و فضایی سیستم هشدار زودهنگام غرب در منطقه ناکام ماندند.

۳. رهگیرهای رژیم‌صهیونیستی

بنابر اعلام‌های مختلف، سامانه‌های پدافندی ۲۰ تا ۲۵ موشک رهگیر برای نابودی موشک یمنی پرتاب کرده، اما موفق به این کار نشده‌اند. منابع نظامی صهیونیست اما ادعا می‌کنند موشک‌های کمتری پرتاب کرده‌اند. به ادعای این منابع، ابتدا یک تیر موشک پیکان-۳ به‌سمت موشک در ارتفاع بالا پرتاب شده و پس از ناکامی آن، یک تیر موشک پیکان-۲ در ارتفاعی کمتر شلیک شده است. مقام‌های صهیونیست ادعا می‌کنند پیش از این در برابر موشک‌های بالستیک، همان یک تیر موشک پیکان-۳ موفق به رهگیری می‌شد اما در آخرین عملیات، این سامانه شکست خورد.

۴. لایه‌بندی

از یمن تا فلسطین اشغالی چند لایه پدافند هوایی در عربستان سعودی، اردن، مصر و دریای سرخ مستقرند؛ هرچند برخی از این سامانه‌ها به‌طور رسمی توسط کشورهای مزبور خریداری شده‌اند، اما تحت کنترل و اراده آمریکا عمل می‌کنند، زیرا در غیر این صورت واشنگتن از فروش این سامانه‌ها خودداری می‌ورزید. در دریا نیز غرب با توجه به حملات موشکی یمن، شناورهای مخصوص ضدموشکی را مستقر کرده است که آنها نیز کاری از پیش نبرده‌اند. تک موشک یمنی‌ها حیثیت آمریکا طی چند سال اخیر برای تقویت سامانه‌ها و هماهنگی‌شان را بر باد داد.

نکات

۱. دولت یمن، نیروهای حشدالشعبی عراق و گروه مقاومت لبنان از کنار همکاری با ایران به پیشرفته و موثرترین سامانه‌های تسلیحاتی مجهز شده‌اند. دیگر محور مقاومت فارغ از ایران، مجموعه‌ای از گروه‌های شبه‌نظامی مسلح به سلاح‌های ساده نیست.

اگر سال ۲۰۰۶ یک مقطع دیده شود، در آن دوره مقاومت لبنان به‌طور عمده از راکت و موشک‌های ضدزره استفاده می‌کرد و مقاومت عراق نیز در نبرد بر ضد اشغالگران آمریکایی در همان برهه، تسلیحاتی مشابه با لبنانی‌ها داشت. امروزه اما به لحاظ کیفی، وضعیت به‌شدت متحول شده است.

۲. در ماه‌های اخیر سه حمله علیه تل‌آویو صورت گرفته که هر سه موفقیت‌آمیز بوده‌اند. نخستین حمله توسط یمن در ۲۹ تیرماه صورت گرفت که یک پهپاد با اصابت به آپارتمانی نزدیک به ساختمان‌های سفارت آمریکا در تل‌آویو، یک نفر را کشت و دو نفر دیگر را زخمی کرد. در دومین حمله، لبنانی‌ها طی عملیات اربعین در ۴ شهریور موفق شدند شش پهپاد خود را به منطقه گالیلوت برسانند که مقر یگان ۸۲۰۰ و موساد در آن واقع شده است. منابع امنیتی اروپایی به شبکه المیادین اعلام کرده‌اند در پی این حمله ۲۲ نفر کشته و ۷۴ نفر زخمی شدند. حمله روز یکشنبه، ۲۵ شهریور یمنی‌ها سومین حمله به تل‌آویو از این دست بود. دو حمله نخست با پهپاد و حمله سوم با موشک بالستیک صورت گرفته است. مجموع پهپادهای پرتاب شده ۷ فروند و تعداد موشک‌ها یک فروند است. در دو حمله اول در مجموع ۲۳ نفر کشته و ۷۶ نفر زخمی شده‌اند. درخصوص حمله موشکی یمن، صهیونیست‌ها تاکنون به زخمی شدن ۹ نفر اعتراف کرده و ادعا دارند این افراد در حین فرار برای رفتن به پناهگاه آسیب دیده‌اند.

وقوع سه حمله از ۲۹ تیر تا ۲۵ شهریور نشان می‌دهد حمله به تل‌آویو تثبیت شده و این شهر به محل درگیری‌های آتی تبدیل خواهد شد. این مساله تحولی بزرگ در جنگ است. تا پیش از این با وجود حمله به غلاف غزه، بندر ایلات در جنوب و مرزهای شمالی، تل‌آویو یک خط قرمز بزرگ برای صهیونیست‌ها بود. آنها به همین دلیل پس از عملیات پهپادی یمنی‌ها در ۲۹ تیر دست به سلسله اقداماتی زدند. در نخستین اقدام آنها در ۳۰ تیر بندر الحدیده و مخازن سوخت را مورد هدف قرار دادند. در گام‌های بعدی نیز فؤاد شکر فرمانده نظامی مقاومت لبنان در مربع امنیتی این گروه در ضاحیه بیروت و اندکی بعد اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس تنها یک روز پس از شرکت در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور جدید ایران، ترور شدند. علی‌رغم دست و پا زدن صهیونیست‌ها، تل‌آویو به‌عنوان یک هدف در محور مقاومت تثبیت شد.

۳. تا پیش از این غلبه بر سامانه‌های پدافند هوایی غرب در منطقه بیشتر از فناوری، براساس تاکتیک صورت می‌گرفت، به این صورت که با پرتاب انبوه تلاش می‌شد این سامانه‌ها اشباع شوند تا تعدادی از پرتابه‌ها بتوانند از سدشان عبور کنند. در حمله روز یکشنبه اما تنها یک موشک به شکل معمول خود پرتاب شد.

۴. رژیم‌صهیونیستی از دور و نزدیک، از خودی و غیرخودی، با روش‌های نظامی و امنیتی درحال دریافت ضربه است. این ضربات شامل عملیات‌های زیرگیری و تیراندازی در کرانه باختری و بمب‌گذاری در این منطقه و ساحل غربی می‌شود.

۵. مشغول کردن رژیم‌صهیونیستی به مناطق مختلف، مانع از تمرکز صهیونیست‌ها می‌شود. امروزه صهیونیست‌ها به دلیل گرفتاری‌های متعدد در سطح جزئی و کلان قادر به تمرکز بر یک مشکل نیستند. در هنگام تمرکز بر غزه، جبهه کرانه فعال می‌شود و در حین تمرکز بر کرانه باختری اوضاع در مرز با لبنان به مرز انفجار می‌رسد. در شرایط کنونی نیز در بحبوحه صحبت از حمله به سوریه و لبنان، صهیونیست‌ها ضربه‌ای محکم از یمن در جنوب دریافت کردند. این مساله در سطح کلان جریان دارد اما در سطح محدودتر نیز داستان همین است. به‌عنوان نمونه در حین حمله به رفح در جنوب نوار غزه، مقاومت حملات و فعالیت‌های خود در شمال این منطقه را تشدید کرد. در کرانه باختری نیز در دوره تمرکز بر شهر جنین در شمال منطقه، الخلیل در جنوب شاهد گسترش فعالیت‌های مقاومتی شد. قوای محدود و آسیب‌دیده صهیونیست‌ها به دلیل تعدد مراکز بحران قادر به تمرکز بر هیچ‌کدام از آنها نیست.

۶. یمنی‌ها در چند جبهه درحال جنگ با رژیم‌صهیونیستی‌اند. آنها به همراه مقاومت عراق وارد آفریقا شده‌اند، تکنسین‌های پهپادی‌شان در عراق حضور دارند و عناصری از نیروهای زمینی این کشور نیز در سوریه و در نزدیکی مرزهای فلسطین اشغالی مستقرند.

طمع هریس به آشیانه جمهوریخواهان

آیا تگزاس آبی می‌شود؟!

دموکرات‌ها و جمهوریخواهان مشغول رصد و پایش نظرسنجی‌های صورت‌گرفته در ایالات خاکستری و حساس آمریکایند. اکثر رسانه‌های آمریکایی نیز روی نتایج نظرسنجی‌ها در ایالاتی مانند ویسکانسین، میشیگان، نوادا، آریزونا، جورجیا و پنسیلوانیا متمرکز بوده و اساسا وقت خود را صرف سنجش فضای انتخابات در ایالات آبی(دموکرات) و قرمز(جمهوریخواه) نمی‌کنند. تگزاس یکی از ایالاتی است که به صورت سنتی آرای آن متعلق به حزب جمهوریخواه است. تگزاس با مرکزیت شهر آستین دومین ایالت پرجمعیت (پس از ایالت کالیفرنیا) و فراتر از آن، دومین اقتصاد بزرگ ایالتی در آمریکا به شمار می‌آید. پس از کالیفرنیا که دارای ۵۵ امتیاز الکترال ایالتی است، تگزاس با ۳۸ امتیاز الکترال، دومین ایالت مهم انتخاباتی در ایالات متحده محسوب می‌شود.

ایالت همیشه قرمز

همان‌گونه که آرای الکترال ایالتی در کالیفرنیا در طول دهه‌های اخیر همواره به سود دموکرات‌ها به گردش درآمده، آرای الکترال ایالتی تگزاس نیز همیشه به سبد رای جمهوریخواهان سرازیر شده است. برهمین اساس تگزاس یک ایالت قرمز محسوب می‌شود و نامزدهای حزب جمهوریخواه درخصوص کسب امتیاز آن نگرانی ندارند. دلیل اقبال تگزاس به جمهوریخواهان، یکی حضور گسترده اوانجلیست‌ها در آن و دیگری، همسایگی آن با کشور مکزیک است. سیاست‌های مهاجرستیزانه جمهوریخواهان سبب شده سفیدپوستان تگزاس به سمت نامزد انتخاباتی آنها گرایش پیدا کنند. این قاعده درخصوص دونالد ترامپ نیز صادق است؛ سیاستمداری که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ میلادی بدون هیچ گونه دغدغه‌ای در تگزاس به پیروزی رسید.

آیا تگزاس آبی می‌شود؟!

با همه این اوصاف، کمپین انتخاباتی ترامپ نسبت به روند نظرسنجی‌های ایالتی صورت‌گرفته در تگزاس تاحدودی نگران به نظر می‌رسد! در آخرین نظرسنجی موسسه راسموسن و پایگاه هیل در این ایالت که بین روزهای ۳ تا ۵ سپتامبر برگزار شده، ترامپ موفق به کسب ۵۰ درصد و هریس موفق به کسب ۴۶ درصد آرا شده‌اند. ۴ درصد از شرکت‌کنندگان نیز پاسخ نمی‌دانم یا هیچ‌کدام را انتخاب کرده‌اند. این نظرسنجی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که با موارد قبلی و مشابه مقایسه شود. در ماه آگوست (ماه گذشته) نظرسنجی دانشگاه تگزاس حکایت از اختلاف ۵درصدی ترامپ-هریس و از آن مهم‌تر، نظرسنجی ژانویه سال ۲۰۲۴ که توسط دانشگاه هیوستون برگزار شد، اختلاف ۱۳درصدی رئیس‌جمهور سابق آمریکا و هریس(که در آن زمان معاون اول بایدن بود) را نمایان ساخت. اکنون این اختلاف به کمترین میزان ممکن رسیده و زنگ خطر را برای جمهوریخواهان در ایالتی که آشیانه آنها نامیده می‌شود به صدا در آورده است.

پشت پای کشاورزان تگزاسی به ترامپ

اما سوال اصلی اینجاست که دلیل گرایش برخی رای‌دهندگان مردد و حتی عده‌ای از جمهوریخواهان سنتی به دموکرات‌ها چیست؟ به عبارتی بهتر، چه دلایلی منجر به کاهش قدرت مانور جمهوریخواهان در تگزاس و در مقابل، ایجاد برخی امیدواری‌ها برای دموکرات‌ها جهت تسخیر تگزاس شده است؟ به نظر می‌رسد کلید پاسخ این سوال را باید در جنگ کشاورزی چین و آمریکا و تاثیر آن بر زندگی کشاورزان تگزاسی جست‌وجو کرد. تگزاس یک ایالت با تولید بالای کشاورزی، دامداری و تولید پنبه در آمریکا به شمار می‌آید. این ایالت در دامداری و تولید پنبه رتبه اول است. ۲۰ درصد گوشت قرمز و ۲۹ درصد پنبه کل آمریکا در تگزاس تولید می‌شود. بر خلاف تصور عمومی که از تگزاس تصویر یک بیابان با گیاهان کاکتوس را به خاطر دارند، تنها ۱۰ درصد این ایالت بیابانی بوده و تنوع گیاهی آن در آمریکا منحصربه‌فرد است. در بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ میلادی، کشاورزان تگزاسی که اکثرا مشغول مراودات تجاری با کشور چین و فروش محصولات خود به پکن و دیگر شهرهای این کشور آسیایی‌اند، تحت تاثیر فضای ناشی از جنگ تجاری دولت ترامپ و پکن قرار گرفته و بابت این موضوع متضرر شدند. همین مساله سبب شده تا بخش عمده‌ای از کشاورزان تگزاسی نسبت به بازگشت ترامپ به کاخ سفید دید مثبتی نداشته باشند. شاید اگر جمهوریخواهی مانند تد کروز یا لیندسی گراهام نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا می‌شد، اهالی تگزاس حمایت به مراتب پررنگ‌تری از او داشتند اما حداقل این قاعده درخصوص رئیس‌جمهور جنجالی سابق آمریکا صادق نیست. حتی تصور شکست در تگزاس برای ترامپ و جمهوریخواهان دشوار و ترسناک است! در صورتی که دموکرات‌ها برای نخستین بار موفق به فتح آشیانه سنتی جمهوریخواهان و نماد ایالتی این حزب شوند، ۳۸ رای الکترال تگزاس به سبد رای آنها اضافه خواهد شد. در این صورت حتی شکست کامالا هریس در ایالات ویسکانسین، میشیگان، پنسیلوانیا و حتی فلوریدا نیز تاثیری بر نتیجه نهایی(پیروزی دموکرات‌ها) نخواهد گذاشت. به نظر می‌رسد ترامپ طی روزهای آتی ناچار شود تمرکز بیشتری روی تگزاس و تثبیت برتری ادوار گذشته جمهوریخواهان در آن صورت دهد. این موضوع برای ترامپ خسته‌کننده خواهد بود، زیرا مصداق «تلاشی برای عدم بازگشت به عقب» و نه «حرکتی رو به جلو» تلقی می‌شود.